

در باره برزیل در سال های اخیر بحث های فراوانی در نشریات چاپ دیده می شود. از دیکتاتوری ژنرال ها و فجایعی که با همکاری ایالات متحده به بار آوردند تا گسترش صنایع مدرن و شیوه ای که این کشور برای توسعه در پیش داشته تا وام سنگین آن به بانک جهانی و بالاخره مبارزات زحمتکشان و مردم عموماً از جمله وجود حزب کار و دامنه بسیار گسترده آن (نگاه کنید به مقاله «سیاست های کهنه، نیروهای تازه نفس» مندرج در نیولفت ریویو، شماره ۱۹۰، نوامبر - دسامبر ۱۹۹۱) و نیز جنبش کارگران روستایی بدون زمین، و سرانجام تشکیل کنفرانس جهانی «پورتو الگره» در مقابله با کنفرانس «داؤس» (نک. به لوموند دیپلوماتیک، ژانویه ۲۰۰۱).

باری، هستند برخی از فعالین چپ که با تکیه بر گفتمانی مبنی بر انقلاب و کمونیسم، جنبشی نظیر جنبش کارگران روستایی بدون زمین و یا جنبش زاپاتیست های مکزیک و یا انواع جنبش های مردمی بیکاران و محرومان در کشورهای اروپا و آمریکا را به عنوان اینکه «غیر کارگری» هستند، در خور اعتنا نمی دانند. ما در عین حال که از نقد و بررسی این جنبش ها استقبال می کنیم و مانعی نمی بینیم که کسی به نحوی مستدل آن ها را فاقد اعتبار بداند، اما ارائه اطلاع و دامن زدن به بحث را برای جنبش انقلابی و کمونیستی ایران سودمند و حتی لازم ارزیابی می کنیم. شک نیست که هر جنبشی تجربه و ویژه خود را می آفریند و چه بسا اطلاع ژرف از خلاقیت های هر جنبش، دستمایه ای برای نوآوری های جنبش در ایران باشد.

اندیشه و پیکار

برزیل: مصاحبه با المار سه سیمبرا،

عضو کمیسیون روابط بین المللی جنبش کارگران روستایی بدون زمین MST^۱
(Movimento dos Trabalhadores Rurais Sem Terra)

س: می توانید قبل از هر چیز تاریخچه ای از شکل گیری جنبش بدون زمین ها را توضیح دهید؟

ج: اوائل کار MST در سال ۷۹، دوران دیکتاتوری نظامی بود. دورانی که در آن درگیری بر سر زمین در سراسر برزیل شدت داشت. در سال ۷۹ در جنوبی ترین نقطه برزیل، اراضی بومیان (ایندیخنا) را تخلیه کردند. آنها که هفتصد خانوار بودند، با هم یک کمپ زدند و شروع به فشار آوردن به دولت کردند تا برایشان زمین تهیه کند، زیرا در اراضی متعلق به خود بومیان بودند. آنجا بود که کلیسا شروع به سازمان دادن کرد و در عین حال مبارزات دیگری پا به عرصه وجود نهاد. در آن زمان در جنوب مبارزات بسیاری در جریان بود، در «ریو گرانده»، «سنتا کاتارینا»، «پاراناسیو»، «سن پابلو» و «متوگراسوی جنوبی»^۲. با یک مبارزه مشخص، برخی از این کشاورزان موفق شدند اراضی خود را به دست آورند. به برخی در نواحی جنوبی زمین دادند و عده ای دیگر را به منطقه کولونیزاسیون شمال برزیل، در ایالت های آمازون بزرگ بردند و در وسط جنگل و لشان کردند. تعدادی بازگشتند ولی اکثریت بزرگی بر اثر بیماری های مثل مالاریا جان باختند.

۱- Elemar Cezimbra

۲- Matoraso del Sur, San Pablo, Paranacio, Santa Catarina, Rio Grande

در چنین شرایطی، تعریف و شکل بخشیدن به مبارزه تا سال ۸۴ ادامه یافت. در این سال در ایالت «پارانا»^۲ جنبش بدون زمین ها تشکیل شد. و همان جا قرار گذاشته شد که اولین کنگره مؤسس MST با شرکت نمایندگان دو ایالت در سال ۸۵ برپا شود. خود ایالت «پارانا» با ۱۵۰۰ نماینده در آن شرکت داشت. در این کنگره بود که MST دیدگاه ها و تاکتیک های اولیه در مبارزه برای اشغال زمین و شکل ابتدائی پرنسپ های سازمانی آن را تعیین کرد. آن چه گفتم، تاریخی بسیار کوتاه شده است. در این کنگره دکترین کار برای سراسر برزیل مشخص شد. بدین ترتیب ما می توانستیم روی سندیکای کارگران روستائی و در برخی مناطق روی کمیسیون کشیشی زمین، که یک تشکل کلیسائی است که در روستاها فعالیت می کند، و بالاخره روی برخی روابط دیگر حساب کنیم. در آن جا بدون زمین ها شروع به سازمان دادن کردند. آنها اول متشکل می شدند، بعد املاک بزرگ را شناسائی می کردند و سپس به اشغال این اراضی می پرداختند. اوضاع از این قرار بود که وقتی MST فعالیتش را آغاز کرد، رفقای زیادی را برای سازماندهی به ایالات دیگر فرستادیم.

با شروع کار MST بسیار حول خصلت های این جنبش بحث شد. روی تمام مبارزات تاریخی برزیل تحقیق شد و روی اولین مبارزات دهقانان. در این دوران، مبارزات زاپاتا در مکزیک را، که برای آمریکای لاتین و کشور های دیگر مهم است، نیز آموختیم. آنجا بود که MST را بعنوان یک جنبش توده ای با خصال خلقی، سندیکائی و سیاسی تعریف کردیم، سازمانی که می خواست برای زمین، اصلاحات ارضی و برای تغییرات اجتماعی فراگیر با پاسخی سوسیالیستی مبارزه کند. با توده ها کار کردیم. وقتی کارمان شروع شد، بسیاری از سازمان های غیر دولتی به MST یاری رساندند و در عین حال فعالین مان را آموزش دادند، کلیسا هم همین طور. در اولین سال های پس از کنگره اول، ما شروع به تشکیل MST ی خودمان کردیم. MST ای که بر پاهای خودش استوار باشد، از جمله در قلمرو اقتصادی و با استقلال سیاسی، که خودش آن را آموزش می دهد و ساختمان تشکیلاتی، دفتر خودش و غیره را دارد.

دوره ای بود که درگیری های زیادی داشتیم با سازمان هائی که بما کمک می کردند. در سال های ۸۷ - ۸۸، وقتی قانون اساسی جدید را می نوشتند، قانون اصلاحات ارضی را تصویب کردند. در آن زمان به ما می گفتند که دیگر اراضی را اشغال نکنیم، که صبر داشته باشیم تا دولت اصلاحات ارضی اش را انجام بدهد، حتی کمیسیون کشیشی زمین کلیسا ها نیز چنین می اندیشیدند، و نیز شخصیت ها و گروه های دیگری که به ما یاری می رسانیدند. ما آن طور نمی اندیشیدیم و به سبک کار اشغال اراضی ادامه دادیم. گمان می کنم که در آن دوره این شیوه کار عنصری ریشه ای در تثبیت MST بود. در آن دوره از کمک های دیگران ایزوله شده بودیم، ولی توانستیم به جامعه نشان بدهیم که حق با ما بود، بخصوص در مورد تعریف سیاسی اشغال اراضی، چون تا زمانی که اشغال زمین در کار نبود، دولت هرگز جایی را رها نکرد، و تا همین امروز هم همینطور است. زیرا دولت برزیل اصولاً قصد اصلاحات ارضی ندارد، و در برنامه اش برای رشد جامعه برزیل، رشد مناطق روستائی و اصلاحات ارضی وجود ندارد. این برای ما مثل روز روشن است و به همین دلیل به تاکتیک اشغال اراضی ادامه می دهیم. از آنجا به اشکال جدیدی از مبارزه رسیدیم: آکسیون، راهپیمائی، اشغال اراضی دولتی و غیره.... تعیین کردیم که کنگره هایمان هر پنج سال یک بار، و نشست های کشوری هر دو سال یک بار تشکیل شوند. در نشست های کشوری، خط مشی ها و تاکتیک های اصلی را تعیین می کردیم. کنگره کارش مانند یک همایش عظیم است

از ترکیب ریفیقایه تحقیقات و مباحثات. تعیین مدارک کنگره مختص اعضای MST نیست، بلکه توده ای است. اگر در کنگره اول، در سال ۸۵، تنها ۱۵۰۰ نماینده بودیم، در سال ۹۰ تعدادمان ۴۰۰۰ و در ۹۵ پنج هزار نفر بود. امسال (سال ۲۰۰۰) از ۱۷ تا ۲۰ اوت کنگره چهارم MST با ۱۱۷۰۰ نماینده از پایه های سازمان برگزار شد. در همایش های ایالتی نیز تعداد شرکت کنندگان زیاد است (حدود ۱۰۰۰ نفر)، بسته به بزرگی آبادی ها، مثلاً در ایالت «پارانا»، که خود من در آن زندگی می کنم، ۱۵۰۰۰ خانواده با زمین داریم و هشت هزار خانواده در اردوگاه ها [زمین های اشغال شده- م.] بنا بر این حدود هزار نماینده.

امروزه ما روی ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار خانوار در آبادی ها و حدود ۵۰ هزار خانوار در اردوگاه ها در ۲۳ ایالت برزیل حساب می کنیم. و تنها در چهار ایالت فعالیت نداریم، چرا؟ چون در این ایالات مشکل زمین، و بنا بر این مشکل بدون زمین ها وجود ندارد.

س: آیا در برزیل، حتی به صورت ظاهری هم، قانون اصلاحات ارضی وجود ندارد؟

ج: به لحاظ قانونی وجود دارد. اما دولت آن را به اجرا در نمی آورد. دولت با اصلاحات ارضی برخورد مقطعی می کند و می گوید که مشکل وجود دارد و باید حل شود، مبادا به سطحی دیگر ارتقاء پیدا کرده، سیاست کشور را به فرسودگی بکشاند.

س: و برای حل این مشکل چه کار می کنند؟ آیا شما پارلمان ندارید؟

ج: چرا پارلمان هم داریم، اما قانون همه کارهائی را که دولت می خواهد انجام دهد تعیین نمی کند. امروزه با وجود نئولیبرالیسم، دولت گمان می کند که دستش برای هر کاری باز است. پروژه توسعه آنها از این قرار است: از طرفی ششصد شرکت بزرگ کشاورزی (زمینداران بزرگ آن ها را این طور می نامند)، که هدف از آن ها تولید مواد غذایی جهت صادر کردن است و از طرف دیگر کشاورزی جزء. اصلاحات ارضی دارد خارج از حوزه این کشاورزان کوچک انجام می پذیرد. این به مفهوم مهاجرت روستائیان به شهرها است. بین سال های هفتاد تا هشتاد، در حدود ۳۰ میلیون نفر از روستاها به شهرها مهاجرت کردند. در حال حاضر پیش بینی می شود که در سال های آینده، تنها در شمال برزیل ۱۰ میلیون نفر به شهرها مهاجرت کنند. برای شهر این مهاجرت مانند یک بمب است.

پروژه اصلاحات ارضی، تنها در سه منطقه، آنهم در برخی از موارد، شامل تولیدکنندگان کوچک نیز می شود که در رابطه با صنعت کشاورزی، مثل دامداری، مرغ، لبنیات و برخی تولیدات دیگر قرار دارند. این ها امکانات شغلی بسیار پراکنده ای هستند که در حول و حوش شهرها قرار دارند. این است آن رفومی که دولت برزیل می خواهد، کاریکاتوری از اصلاحات ارضی، به همین دلیل است که MST دارای هویتی سیاسی ست که در مقابل طرح دولت برزیل قرار گرفته است. به همین دلیل که امروزه دولت MST را تحت نظر دارد، چراکه روشن است طرح دولت، طرحی نیست که ما می خواهیم، و برای همین است که ما می کوشیم تا با دیگر تشکلات روستائی همکاری داشته باشیم.

س: چه ارگانی از طرف دولت مسئول پیش بردن اصلاحات ارضی است؟

ج: دولت برای پاسخ به قضیه کشاورزی، وزارت کشاورزی را به دو قسمت تقسیم کرد: «وزارت کشاورزی» که باید به کار ۹۰۰ هزار مالک بزرگ رسیدگی کند، و «وزارت طرح ریزی رشد کشاورزی»، برای رسیدگی به کشاورزان خرد. یعنی: «وزارت فقرا» جهت برنامه ریزی موازنه اجتماعی. بنا براین طرح اصلاحات ارضی بعنوان برنامه ای برای رشد کشور در نظر گرفته نمی شود، بلکه به آن به عنوان یک مشکل نگاه می کنند. مشکلی که باید به آن، قبل از آن که موجب بروز مشکلات بیشتری گردد، برخورد شود. این دیدگاه دولت است. برای ما کاملاً روشن است که با یک دولت سرمایه داری در برزیل، اصلاحات ارضی امکان پذیر نیست. این است که برای ما اصلاحات ارضی به عنوان یک تاکتیک برای بدست آوردن منطقه و جذب نیرو مطرح است، و از آن جا کوشش می کنیم تا همراه با دیگر بخش های جامعه، مبارزه ای بزرگتر برای تغییر اجتماع را در پیوند با آن قرار دهیم. فضائی که در آن رابطه متقابل نیروها برای اصلاحات ارضی وجود داشته باشد. برای ما در شرایط فعلی، اصلاحات ارضی چنین خصلتی دارد. باید به نیروهایمان برای بدست آوردن زمین، بیفزائیم. درگیری هرچه شدیدتر می شود، دولت مجبور است آنرا حل کند، زیرا ممکن است غیرقابل کنترل شود. به همین دلیل ما همۀ توانمان را برای اشغال ارضی به کار می بندیم، و در عین حال که زمین اشغال می کنیم، دست به آکسیون های مختلفی می زنیم. برای مثال هفته اول ماه مه، هفته بسیج در سطح کشور است. در این هفته در سراسر کشور نیروهایمان را بسیج کرده، راه پیمائی می کنیم، دست به اشغال ارضی و اشغال اراضی دولتی می زنیم. این هفته در سراسر کشور تأثیر می گذارد. تمام روزنامه های برزیل چند صفحه را به مشکل زمین اختصاص می دهند. در چنین شرایطی مذاکره هم می کنیم ولی برداشت من این است که دولت نمی خواهد هیچ چیزی را بپذیرد. وقتی در مناطق مختلف رفقا رأی به مذاکره می دهند، مذاکره می شود، قرارداد بسته می شود، ولی دولت از انجام آن سر باز می زند، دوباره باید نیروی بیشتری را برای بسیج توده ها بگذاریم.

س: برخورد ارگان های دولتی به شما چگونه است؟

سرکوب علیه MST را افزایش داده اند. مواقعی هستند که نمی توانیم سرمان را بلند کنیم، به محض آن که سرمان را کمی بیشتر بلند کنیم، آن را قطع می کنند. در حال حاضر از نظر دولت ما بزرگترین دشمن داخلی محسوب می شویم. مشکل دولت «کانون متحد کارگران» نیست، امروزه از دید دولت، مهمترین دشمن طبقاتی، MST است. و باید به آن ضربه زد، بنا بر این حمله گسترده ای از طریق رسانه های گروهی علیه MST صورت می پذیرد، روحیه ها را خراب می کنند، از طرف دولت راه های مختلفی برای جذب فعالین MST به کار گرفته می شود، ولی به هیچ چیز نمی رسند. شیوه های مختلف جاسوسی مخصوص بر علیه MST به کار می رود، در تمامی ایالات، نیروی اطلاعاتی ارتش دارد خود را به کمک لشکرهای مخصوص مناطق کشاورزی، برای مقابله با MST آماده می کند. لشکرهای مختلفی را برای تخلیه کردن اراضی اشغالی و سرکوب MST آموزش می دهند. آنها را توسط پلیس ایالات متحده آمریکا SUAT و در برخی مانورها از طریق مشاوران CIA برای جنگ با شدت کم (جنگ فرسایشی)، که یکی از تاکتیک هایشان است، آموزش می دهند. آن ها کوشش می کنند ما را به «راه درخشان پرو»، به «نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا»-FARC، به کوبا و بقیه نسبت بدهند، تا بتوانند سرکوبمان کنند. اما دولت نتوانسته است MST را به انفعال بکشاند. گاهی روی افکار عمومی تحقیق می کنند، ۸۰ تا ۹۰٪ افکار عمومی به نفع MST است، و به نفع اصلاحات ارضی. دولت تحقیق می کند تا بفهمد که چقدر مردم طرفدارش هستند، «ریکی کوردوسو»^۴ پر مخالف ترین رئیس جمهور برزیل در تمام تاریخ است. سطح مقبولیت

دولت به ۱۲٪ پائین آمده است. دولت نتوانسته است موفق شود که نیروی معنوی و روانی کافی بدست بیاورد تا آن طور که می خواهد MST را سرکوب کند.

س: رابطه MST با دیگر جریان‌های سیاسی و اجتماعی بر چه اساسی استوار است؟

ما تاکتیک کشاندن مبارزه به شهرهای بزرگ را دنبال می کنیم. در شهرها قضیه اصلاحات ارضی را به افکار عمومی می کشانیم، به دانشگاهها، به مدارس و به همه جامعه. این مبارزه مبارزه تمام جامعه است و نه تنها مبارزه بدون زمین ها. در کنار آن MST انواع مبارزات اجتماعی و سیاسی را به بخشی از مبارزه خود بدل کرده است. ما هرگز برای غصب یک مبارزه، سراغ آن نمی رویم، هرکجا که مبارزه باشد، MST در آن جا حضور دارد. برای همین هم هست که ما، خواهان تشکیل جنبش سیاسی ملی جدیدی همراه با سازمان های دیگر هستیم. ما این جنبش را «همه پرستی خلقی» می نامیم. در این جنبش بحث خواهد شد که خواهان چه پروژه ای برای برزیل هستیم. پروژه ای سوای آن چه دولت می خواهد. در این جنبش همه نیروهای اجتماعی گردهم می آیند. آن ها را مبارزین خلقی می نامیم. همچنین جنبش های اجتماعی برزیل، عملاً همه، اعضای چند حزب چپ اند (زیرا حزب کار برزیل PT، سوسیالیسم را هدف خود می داند). در سال ۱۹۹۷ کنفرانس بزرگی را برای بحث در باره آن سازمان دادیم. این کنفرانس تأثیر بزرگی روی چپ کل برزیل به جای گذاشت. PT از این بابت بسیار ناراحت بود، چون گمان می کرد که می خواهیم یک حزب جدیدی را بنیان گذاری کنیم، به آن ها پاسخ دادیم که چنین قصدی در کار نیست و ما نمی خواهیم تبدیل به یک حزب سیاسی بشویم. ما خواهان بحث روی یک پروژه بدیل هستیم، زیرا طبقه حاکم در برزیل، هر آن چه را که پروژه ای ملی بود تا امروز به شکست کشانده است. این نیاز به یک پروژه ملی در همه آمریکای لاتین، بخصوص در برزیل کاملاً قابل رویت بوده، و متعلق به ایده انقلابی چپ است، زیرا بورژوازی آنرا باخته است. باید این پرچم را به دست بگیریم و با این پیشنهاد به سوی سوسیالیسم به پیش برویم. پروژه ای توده ای، مانند یک رفرم برای گذار به سوی مبارزه ای سوسیالیستی، برای آن که بتوانیم به نیرویمان بیفزاییم. متدولوژی جهت گیری به نفع کلیت خلق از همین جا سرچشمه می گیرد. ما با همه سازمان ها راهپیمائی مشترک داریم، برای مثال، در سال ۱۹۹۹ یک راهپیمائی ۲۰۰۰ کیلومتری داشتیم. از «ریو د ژانیرو» تا «برازیلیا». هروقت این راه پیمائی از شهری عبور می کرد، چند روزی در آن شهر مانده و با مردم حرف می زدیم، در محلات فقیر نشین و در سندیکاها جلسات مختلفی برگزار می کردیم، به مدارس می رفتیم، اگر در آن شهر دانشگاه داشت، به دانشگاه می رفتیم، سراغ رسانه های گروهی می رفتیم تا با آنها بحث کنیم و نشان دهیم که خلق برزیل در مورد شرایط به چه می اندیشد. آن را به اعتراضات دیگری که جهت اش پروژه بدیل برای برزیل است پیوند می دادیم. حتی خود کلیسائی هم که در گذشته توسط انجمن های پایه ای کلیسائی کار توده ای می کرد، دیگر نمی کند. جنبش سندیکائی دیگر کار توده ای نمی کند، احزاب چپ دیگر کار توده ای نمی کنند، آنها دارند تبدیل به مؤسسات انتخاباتی می شوند. بنا بر این باید تمام این فضای خالی را پر کرد. این ها همان سهم MST در مبارزه طبقاتی در برزیل هستند. سراغ دیگر اقشار می رود، با آن ها حرف میزنند، بحث می کند و با روش های

۴- Riki Cordoso

۵- Rio de Janeiro, Brasilia

مختلف سیاسی با آن ها کار می کند. ما معتقد نیستیم که گروه کوچکی انقلاب اجتماعی را به انجام می رساند، این تغییر با همه و در یک جنبش سیاسی انجام خواهد شد. و از این رو ما معتقدیم که بایستی یک سازمان سیاسی تر بوجود بیاوریم، نه برای بحث روی انتخابات، بلکه برای ساختمان تشکل توده ها و رهبری مبارزات. بحثی است که تازه دارد آغاز می شود، در برزیل PT را داریم به عنوان یک حزب چپ خوب برای بحث روی انتخابات، و نه بیشتر از آن. ما PT را برای رهبری یک مبارزه برای تغییر اجتماعی معتبر نمی دانیم، اگر PT توده ها را سازمان می دهد، ممکن است آغازی برایش باشد، که روزی به حزب مبارزه جنبش های اجتماعی، جنبش های توده ای، تبدیل شود. اما امروزه، همه برای پارلمان حرکت می کنند. رهبران جنبش را هدف قرار می دهند، مشاورین اصلی و مبارزین راهی پارلمان می شوند و دیگر به جنبش باز نمی گردند، این شکست جنبش های توده ای است. به همین دلیل در MST یک قاعده درونی داریم، رهبران کشوری حق ورود به منازعات انتخاباتی را ندارند. ما به نامزدهای با احساس مسئولیت و چپ کمک می کنیم، چند نماینده محلی و کشوری در پارلمان، به نام و از طریق PT داریم، و آنها همچنان فعالین MST هستند. اما به خاطر جذب رهبران توسط پارلمان، رهبری مان را از امروز به فردا عوض نمی کنیم. ما بیش از هر چیزی، در مبارزات مختلف شرکت می کنیم، در تظاهرات مهم، و دیدگاه های MST هر روزه به پیش برده می شوند. برای مثال PT را به «بانکادا»^۶ فرا می خوانیم. با آنها نشست و بحث داریم در مورد این که چگونه می توان مبارزه برای اصلاحات ارضی را در مجلس به پیش برد. آنجا پارامترهای دیگری نیز مطرح اند، مشاوران آنها و استفاده هایی که خود آنها بعنوان نمایندگان مجلس می برند. ما نمی توانیم تنها کارمان را به دادن شعارهای تزئینی PT در مورد «شرکت دادن توده ها در تصمیم گیری» خلاصه کنیم. با شعاع دادن تغییر اجتماعی حاصل نمی شود، زیرا «راست» هم دارد همین روش های اداری PT را بکار می بندد، تعداد زیادی از شهرداران دست راستی داریم که فاسد نبوده، همکاری و شرکت دادن نیروهای متشکل را ترویج می کنند، ولی نه در مسیری سوسیالیستی. بدست گرفتن یک دولت محلی در یک بخشداری هم هدف ما نیست. می بینیم که MST در «سن پابلو»^۷ یک دفتر مرکزی ندارد. بسته به ایالت و منطقه، تشکلی داریم که آنرا «کنفدراسیون کشوری» و «مرکز ایالتی» می نامیم، از آنجا بسته به منطقه تعاونی های منطقه ای مختلفی را سازمان می دهیم. از جمله برای وام، اداره اراضی و... تعاونی هایی که به تشکلات مشاع در مکزیک شباهت دارند. کوشش می کنیم که یک خط مشی اصلی و در عین حال با جوهری در حد امکان همه گیر در مورد مسئله کشاورزی، حفظ شود. از این طریق به مقابله با مجموعه طرح «انقلاب سبز آمریکائی»، که به برزیل منتقل می شود، می پردازیم و مبارزه بر علیه شرکت های «انتقال ژن»^۸ را گسترش می دهیم.

س: در کنار آنچه گفتید، MST چه موضوعاتی دیگری را در حوزه کار خود می داند؟

ما یک بخش داریم که اشغال اراضی را سازمان می دهد. نامش «جبهه توده ها»^۹ است. این بخشی است که

۶- Bancada یک گروه از نمایندگان مجلس است که در رابطه با مسائل کشاورزی کار می کند

۷- San Pablo

۸- Transgenico

۹- Frentes de Masas

اشغال جمعی اراضی را سازمان می دهد.

یک بخش که تولید را سازمان می دهد، و یک بخش که وظیفهٔ تعلیم و تربیت را در روستاها بعهده دارد. آنها در همکاری با دانشگاه ها، از آموزش ابتدائی کودکان تا آموزش عالی را سازمان می دهند. در درون روستاها تعداد زیادی دبستان و دبیرستان داریم، و یک مدرسه داریم برای تربیت معلم، استاد، تکنسین و کئوپراتیویسم. تا حد دبیرستانی، مدارس ما از نظر قانونی رسمیت یافته اند. ما روش خاص خودمان را برای خودگردانی مدارس توسط دانش آموزان و معلمان، بوجود آورده ایم. بنا براین خود آنها مدارس را، با هر آن چه به آن مربوط می شود، کنترل می کنند.

یک بخش آموزش سیاسی هم داریم. در حال حاضر برای آموزش سیاسی، «مدرسهٔ ملی کولیستو فرناندز» را در «سنتا کاتارینا» داریم و می خواهیم یک مدرسهٔ جدید هم در «سن پابلو» که مرکزی تر است تأسیس کنیم.

س: می گویند که برزیل یکی از کشورهای است که در آن مافیا کنترل و قدرت زیادی دارد. آیا شما با آن ها هیچ درگیری ندارید؟ اگر آری برخورد دولت به این درگیری ها چگونه است؟

در برزیل، همان مافیائی که تهیه و توزیع مواد مخدر را در دست دارد، ماشین دزدی و فروش قطعات ماشین های مسروقه، قاچاق اعضای بدن بچه ها، قاچاق اسلحه، و هر نوع قاچاق دیگری را نیز به نام شرکت های مختلف، در کنترل خود دارد. رئیس پلیس ارتش و رئیس پلیس غیر نظامی، نمایندگان مجلس، مبلغ ها، قضات، صاحبان شرکت ها و بطور کلی تمامی «پاران»^۱ که به عنوان شهر مدرن و اکولوژیستی معروف است، تماماً در دست قاچاقچیان مواد مخدر است. در گذشته در برزیل حتی یک کمیسیون مجلس برای تحقیق در مورد مواد مخدر وجود داشت، وقتی تحقیقاتش داشت به افراد اصلی می رسید، کشت و کشتار شروع شد. یک قاضی را که پروندهٔ وجود مواد مخدر در دانشگاه «ماتوگروس»^۲، زیر نظرش بود را در «پاراگوئه» به قتل رساندند، چند نفر نمایندهٔ مجلس را به قتل تهدید کردند. چند نفر دیگر را هم همینطور که بعضی از آنها محافظ گرفته اند. و کمیسیون مجلس دیگر کارش را از ترس کنار گذاشته است. در برزیل علیه قاچاقچیان یک آکسیون از نوع «دستان تمیز» ایتالیا سازمان دادند، اگر قرار است کاری به پیش ببرند، باید کاری در این سطوح انجام بدهند. پس از آن که کار کمیسیون پارلمانی را سازمان دادند، می بایست به شهرستان ها می رفتند، می شد ضربهٔ شدیدی به قاچاقچیان زد. در «پاران» برای مثال، با وجود موانع زیادی، سه ماه تحقیق کردند. تعداد زیادی را دستگیر کردند و ۲۶ نفر حاضر بودند که بر علیه قاچاقچیان شهادت دهند. در روزنامه ها هیچ خبری از آن را به چاپ نرساندند، چون ممکن بود آنها را به قتل برسانند.

Escuela Nacional Colisteo Fernández, Santa Catarina - ۱۰

Parana - ۱۱

Matogros - ۱۲

MST دیگر در برخی ایالات نیز با قاچاقچیان مستقیماً مشکل دارد. آنها کوشش می کنند مناطقی را به کنترل خود در بیاورند که ما در آن اصلاحات ارضی را به پیش می بریم، چون این مناطق، جزو مناطق فدرال هستند و پلیس ایالتی نمی تواند وارد شود. ما کوشش می کنیم همه را سازمان بدهیم. آنها ما را تهدید می کنند، و ما هم آنها را تهدید می کنیم. در ایالات دیگر، در مناطقی که شبه نظامیان و قاچاقچیان با هم همکاری می کنند، کار ما بسیار مشکل است. در یک مورد ما زمین بزرگی را که نمی دانستیم که به قاچاقچیان تعلق دارد، اشغال کردیم، ۱۰۰ نفر ششلول بند را با هلیکوپتر فرستادند و ۳۰۰ خانواده را از آن اراضی بیرون کردند. ۱۰۰ نفر ششلول بند مسلح به تفنگ و مسلسل، که با هلیکوپتر منتقلشان می کنند.

یک نماینده PT که مشغول تحقیق در باره مواد مخدر است و به اندازه کافی اطلاعات دارد، با اشاره به یکی از این اراضی، خبر داد که آن اراضی متعلق به قاچاقچیان است و بهتر است آن را اشغال نکنیم. چون اراضی بزرگ، مناطق کشت مواد مخدر هستند، و هیچکس نمی تواند به آن وارد شود، به همین دلیل ما دیگر به هر حال با قاچاقچیان درگیری شدید داریم.

در سال ۱۹۹۹، پس از یک آکسیون سیاسی و صدور یک قطعنامه توسط ما که با توجه به یک ماده قانونی که تمامی زمین هائی را که در آن مواد مخدر کشت می شود قابل مصادره ارزیابی می کند، این اراضی را شامل اصلاحات ارضی دانستیم، یک زمین بزرگ در «پاران» اشغال نمودیم. آنجا یک هواپیمای حامل ۳۰۰ کیلو کوکائین داغان شد، نیروهای پلیس آمدند و با خشونت بسیار زیادی مردم را از آن اراضی بیرون کرد. عده زیادی را از رفقا دستگیر کرده، برخی را زندانی و شکنجه نمودند. سرکوب پلیس از آن پس شدت یافت. دقت کنید که مافیا نبود که به ما حمله می کرد، پلیس بود.

از شما به خاطر مصاحبه، بسیار سپاسگزاریم.

مصاحبه کننده و مترجم: رسول رحیم زاده

اکتبر ۲۰۰۰